

حقوق پرداخت کنندگان مالیات، مطالعه تطبیقی در آموزه‌های نهج البلاغه و نظام حقوق مالیاتی ایران

داود محبی،¹ اعظم طالب نجف‌آبادی²

چکیده

یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت‌ها در زمان‌های گذشته و حال حاضر، مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین بخش قابل توجهی از درآمدهای عمومی، به‌مثابه ابزاری حکومتی برای تعدیل ثروت در جامعه و از بین بردن شکاف طبقاتی مورد استفاده حکومت‌ها قرار می‌گیرد. در حکومت اسلامی نیز منابع مالی مختلفی پیش‌بینی شده است که از جمله می‌توان به زکات، خمس، انفال، خراج و جزیه اشاره کرد. همان‌طور که شهروندان مکلف به پرداخت انواع مالیات‌های قانونی و شرعی هستند، در برابر حکومت و دستگاه مالیاتی آن حقوقی نیز دارند. در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و پاسخ به این پرسش پرداخته‌ایم که در آموزه‌های نهج‌البلاغه چه حقوق و امتیازهایی برای پرداخت‌کنندگان مالیات‌های اسلامی پیش‌بینی شده است و نظام حقوق مالیاتی ایران تا چه اندازه با آموزه‌های نهج‌البلاغه در این زمینه مطابقت دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رویکرد امام علی (ع) به مالیات‌گیری رویکردی تلفیقی و شامل هر دو بعد تربیتی و کسب درآمد است و بنابراین اصل را بر اعتماد به مؤدیان مالیاتی نهاده است اما رویکرد نظام مالیاتی ایران تنها رویکرد کسب درآمد است و اصل را بر بی‌اعتمادی بر مؤدیان قرار داده است. البته در برخی از حق‌ها مانند حق رفتار منصفانه و محترمانه با مؤدی، حق رازداری، حق تجدیدنظرخواهی، حق ارزیابی منصفانه و غیره، نظام حقوق مالیاتی ایران با آموزه‌های نهج‌البلاغه مطابقت دارد.

واژگان کلیدی: حقوق، مؤدی مالیاتی، زکات، نهج‌البلاغه، ایران.

1. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم / mohebbi.law82@yahoo.com (نویسنده مسئول)

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه قم / r.taleb2016@gmail.com

مقدمه

دین مبین اسلام به‌عنوان دین خاتم، دارای نظام منسجم سیاسی و اجتماعی است که در آن روابط متقابل مردم و حاکمان با دقت تبیین و ترسیم شده است. یکی از اقسام این روابط، روابط مالی و مالیاتی میان حکومت و مردم است. همان‌طور که مردم مکلف به پرداخت اقسام مختلفی از اموال به حکومت هستند، حکومت نیز در قبال مردم مکلف به ارائه خدمات مشخصی است. علاوه‌براین، در مورد خود موضوع پرداخت مالیات به حکومت، پرداخت‌کنندگان مالیات از حقوقی برخوردارند که دولت اسلامی مکلف به رعایت این حقوق است. موضوع حقوق مؤدیان مالیات از مسائلی است که در نتیجه جنبش‌های حقوق بشری در قرون اخیر، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها منعکس شده است. اگرچه اقسام مختلف مالیات، نظام‌های مالیاتی و روش‌های مختلف ارزیابی و وصول مالیات در دوران مدرن پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای یافته است و با نظام مالیاتی دولت‌های نخستین اسلامی به‌کلی متفاوت است، اما در موضوع حقوق پرداخت‌کنندگان مالیات، مطالب قابل‌تأمل و درخشانی در منابع فقهی و روایی اسلامی وجود دارد. در این مقاله، به این مسئله پرداخته‌ایم که پرداخت‌کنندگان مالیات به دولت اسلامی از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه، از چه حقوق و امتیازهایی برخوردارند و نظام حقوق مالیاتی ایران تا چه اندازه با آموزه‌های نهج‌البلاغه در این زمینه مشابهت دارد؟

۱. منابع مالی دولت اسلامی

«به‌طورکلی منابع مالی دولت اسلامی شامل دو قسم کلی دارایی‌ها (انفال) و درآمدها (خمس و زکات) است؛ البته از دارایی نیز درآمد کسب می‌شود. برخی از این منابع ثابت‌اند که همان مالیات‌های ثابت یعنی زکات و خمس است، برخی دیگر دارایی‌ها و سایر درآمدها و مالیات‌های متغیر حکومتی شامل جزیه، خراج، فیه، انفال و سایر منابع است... زکات و خمس مهم‌ترین منابع مالی دولت اسلامی محسوب می‌شوند که شبیه مالیات به معنای امروزی هستند و ثابت و تغییرناپذیرند» (رستمی، 1395: 62). پرداخت زکات و خمس از واجبات شرعی و عملی عبادی است که در آیات و روایت‌های گوناگونی بر اهمیت آن تأکید شده است. «فلسفه‌ای که قرآن کریم (توبه: 103) برای تشریح زکات بیان کرده است، دو چیز است:

تطهیر و تزکیه. خداوند به پیامبر دستور داده است از اموال مسلمانان مقداری را به‌عنوان صدقه دریافت کند و بدین‌ترتیب آنان را پاک سازد و زمینه‌های رشد و تکامل‌شان را فراهم سازد» (بیات، 1365: 19). علاوه بر آن، در بسیاری از روایت‌های منقول از معصومان بیان شده است دولت اسلامی وظیفه دارد با دریافت زکات از ثروتمندان و تأمین نیازهای فقرا و نیازمندان، نگذارد جامعه اسلامی به دو قطب دارا و ندار تقسیم شود و حقوق محرومان در جامعه پایمال شود (بیات، 1365: 20-21)؛ بنابراین اصل پرداخت زکات و تکلیف مردم به پرداخت آن از مسلمات دین مبین اسلام است تا جایی که امام علی (ع) می‌فرماید: «امام، مردمان را به پرداخت زکات وادار می‌کند، زیرا خدای متعال فرموده است از مال‌های ایشان زکات بگیر که آنان را پاک می‌کند» (مجلسی، بحارالانوار، ج 96: 86؛ به نقل از: حکیمی و دیگران، 1386، ج 2: 747).

به‌رغم وجوب پرداخت زکات و تکلیف دولت اسلامی بر دریافت آن از مردم، در منابع مختلف اسلامی، حقوقی برای پرداخت‌کنندگان این واجب مالی پیش‌بینی شده است که در این مقاله این موضوع را در آموزه‌های کتاب شریف نهج‌البلاغه بررسی می‌کنیم. همچنین جایگاه این حقوق در مهم‌ترین منابع حقوقی نظام مالیاتی ایران شامل قانون مالیات‌های مستقیم، قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و منشور حقوق مؤدیان مالیاتی بررسی خواهد شد.

2. حقوق پرداخت کنندگان مالیات در نهج‌البلاغه و نظام حقوق مالیاتی ایران

«یکی از بهترین راه‌ها برای حفظ پیوند نظام با مردم و اتکای نظام بر مردم و عامل حمایت مردم، جعل مالیات‌هاست؛ مشروط بر اینکه با توجه‌های فرهنگی همراه شود تا مردم احساس کنند دولت مال خودشان و محصول زحمات خود آن‌هاست» (بیات، 1365: 292). بدیهی است یکی از بهترین توجیحات فرهنگی در رابطه با مالیات، پیش‌بینی حقوقی در رابطه با مؤدیان مالیاتی است.

در کتاب شریف نهج‌البلاغه به‌ویژه در نامه‌های 25، 26، 51 و 53 مطالب ارزشمندی در رابطه با حقوق پرداخت‌کنندگان مالیات به دولت اسلامی بیان شده است که در ادامه این حقوق بررسی و سپس آن حق در نظام حقوق مالیاتی ایران شناسایی می‌شود.

2-1. حق برخورداری از رفتار محترمانه، مهرورزانه و منصفانه

«با توجه به اینکه زکات واجب الهی و با مردم و اموال آنان در ارتباط است، قانون اسلام شرایط و آداب خاصی را برای عاملان زکات در نظر گرفته است. بر همین اساس، مأمور زکات باید بالغ، عاقل، مؤمن

و نسبت به مسائل مربوط به کارش آگاه باشد. یکی از نکات بسیار مهم در اجرا، توجه به چگونگی برخورد مأموران با مؤدیان است. مأموران باید به زیور آداب کارگزاری در مکتب هدایت‌گر اسلام آراسته باشند» (آقانظری و گیلک حکیم‌آبادی، 1382: 76). «توجه اسلام به شأن افراد در دریافت زکات بسیار منحصربه‌فرد است و هرگز اجازه نداده است شخصیت افراد، تحت هیچ شرایطی مورد حمله قرار گیرد» (شعبانی و کاشیان، 1395: 161)؛ بنابراین یکی از حقوق مؤدیان مالیاتی، حق رفتار منصفانه و کریمانه است. «اصل رفتار منصفانه با مؤدی به این معناست که مراجع تشخیص و وصول مالیات و مقامات و مأموران مالیاتی در مراوده‌ها و رفتار با مؤدی مالیاتی برخوردی منصفانه داشته باشند و با رعایت انصاف و عدالت با وی رفتار کنند» (رستمی، 1388: 115). در سیاست مالی اسلام، «ارزیابی درآمدها باید عادلانه و آسان صورت پذیرد. باید در پرداخت‌کنندگان احساس خشنودی و رضایت ایجاد شود. اگر اشتباهی صورت گرفت باید در نهایت رضایت مؤدی مالیاتی کسب شود» (جولید، 1389: 137). «کارگزاران مالیاتی باید تلاش خود را برای آبادانی و تولید بیشتر به کار برند و در اخذ مالیات از مردم، با اخلاق خوش و راستی برخورد کنند و نباید بیش‌ازحد از آنان بستانند و در وضعیت سخت باید بر آنان ارفاق کنند» (رضایی دوانی، 1389: 52). «امیر مؤمنان در عهدنامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی خود، کارگزاران خویش را سخت هشدار داده است که حرمت مردمان را پاس بدارند و به‌هیچ‌روی به حریم کرامت و عزت آنان تعدی نکنند و به‌شدت مراقب رفتار خود با مردمان باشند» (دلشاد تهرانی، 1387: 475). امام در نامه خود به مالک اشتر در این رابطه می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی زیرا مردم دو دسته‌اند دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند» (دشتی، 1380: 567).

از حقوق ابتدایی پرداخت‌کننده مالیات که در تأمین هزینه‌های عمومی مشارکت می‌کند، حق برخورداری از رفتار شایسته و محترمانه است. امام علی (ع) در نامه 25 که برای مأموران جمع‌آوری زکات نوشته‌اند، نکات ارزشمندی را در مورد رعایت اخلاق خوش و رفتار محترمانه با پرداخت‌کنندگان زکات بیان داشته‌اند. در ابتدای این نامه آمده است: «با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن، در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان یا با زور از زمین او نگذر... هرگاه به آبادی رسیدی در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان

حرکت کن تا در میان‌شان قرار گیری، به آن‌ها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن...» (دشتی، 1380: 505).

در این فراز، امام ابتدا مأموران خود را به رعایت تقوای الهی و در نظر گرفتن خداوند در رفتارشان امر می‌کند و آنان را از سوءاستفاده از قدرت و اقتدار حکومتی که در اختیار دارند، باز می‌دارد. «امام در این عبارت افزون بر دستور تقوا دو مطلب مهم را یادآور می‌شود، نخست اینکه مأمور جمع‌آوری زکات نباید مردم را بترساند و با خشونت رفتار کند، زیرا در گذشته مأموران اخذ مالیات، هنگامی که وارد منطقه‌ای می‌شدند، مردم از ترس اینکه مبالغ سنگینی از آن‌ها بخواهند که در طاقت‌شان نباشد، در وحشت فرو می‌رفتند، ولی هنگامی که بنا بر ارفاق باشد، نه تنها نمی‌ترسند بلکه از آن‌ها استقبال نیز می‌کنند. در دستور دوم می‌فرماید نه تنها نباید آن‌ها را بترسانی بلکه نباید از حضور تو ناخشنود باشی، بلکه باید تو را مأموری از طرف امیری بخشنده و مهربان، جواد و کریم بدانند و حضورت را گرامی بدانند» (مکارم شیرازی و دیگران، 1390، ج 9: 303-302).

«تأمل در محتوا و موضوع این نامه نشان از اهمیت موضوع نزد امام دارد، چراکه گردآورندگان مالیات به نقاطی اعزام می‌شدند که چه بسا فرسنگ‌ها با تمدن‌های آن روزی کوفه و بصره فاصله داشتند و مردمان عموماً بادیه‌نشین و شبه‌بدوی و فاقد اطلاعات چندانی از اوضاع زندگی شهری و رفاه مردمان دیگر بودند؛ بنابراین انتظار آنان چندان زیاد نبود؛ با وجود این امام به‌عنوان حاکم دولت اسلامی به خود اجازه نمی‌دهد مأموران مالیاتی را بدون منشور اخلاقی به سراغ‌شان بفرستد» (آقایی طوق، 1394: 154).

همچنین در نامه 26 که در سال 36 هجری برای فرماندار اصفهان مخنف ابن سلیم فرستاده شده است، در رابطه با حق مردم در برخورداری از رفتار شایسته مأموران مالیات آمده است: «... و به او سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباشد و به آن‌ها بهتان نزند و با مردم به جهت اینکه بر آن‌ها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکند، چه اینکه مردم برادران دینی و یاری‌دهندگان در استخراج حقوق الهی هستند» (دشتی، 1380: 507). «این‌ها نکات روانی بسیار مهمی در جمع‌آوری حقوق بیت‌المال و به یک معنا در تمام امور مربوط به مدیریت است. برخورد خوب با مردم، اعتماد بر آن‌ها و عدم برتری‌جویی اموری هستند که مردم را به ادای حقوق و انجام وظایف‌شان تشویق می‌کنند و سبب می‌شوند بدون نیاز به بازرس و پرونده و دادگاه به وظایف خود در برابر حکومت یا کسی که مدیر بر آن‌هاست عمل کنند... درست است که امکان دارد برخی از این مسئله سوءاستفاده کنند و حقوق بیت‌المال را

نپردازند ولی بی‌شک پیامدهای این‌گونه رفتار بسیار کمتر از بی‌اعتنایی و برخورد خشن نسبت به آن‌هاست» (مکارم شیرازی و دیگران، 1390، ج 9: 332).

امام علی (ع) در نامه 51 نهج البلاغه که خطاب به کارگزاران بیت‌المال نوشته شده است می‌فرماید: «... در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکمیا باشید، همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان امت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از بیان نیازمندی‌هایش بازدارید و شرمنده نسازید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده‌کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی دست‌اندازی نکنید...» (دشتی، 1380: 565).

منظور از انصاف کارگزاران این است که آنچه برای خود می‌پسندند برای مالیات‌دهندگان نیز پسندند و آنچه برای خویش ناخوش می‌دارند برای آن‌ها نیز ناخوش دارند؛ یا به تعبیر دیگر همان‌گونه که حق خود را از آن‌ها می‌گیرند حقوق آن‌ها را نیز به آن‌ها بپردازند... سپس حضرت کارگزاران خود را از چند چیز نهی می‌کنند: نخست آنکه با مردم به گونه‌ای رفتار نکنند که آن‌ها از بیان حاجت‌شان شرمنده شوند؛ مثلاً اگر بخشی از زراعت یا احشام مورد علاقه‌شان است، کارگزار باید به گونه‌ای رفتار کند که پرداخت‌کننده بتواند این مطلب را بیان کند و از وی بخواهد مالیات را از بخش دیگر از وی دریافت کند. دوم اینکه مردم را از خواسته‌های مشروع‌شان باز ندارند؛ برای مثال اگر در گرفتن مالیات خواهسته‌ مشروعی دارند آن را بپذیرند. در سومین نهی، حضرت مستثنیات دین یا آنچه برای زندگی ضروری است و نباید به‌عنوان مالیات گرفته شود را بیان می‌کند مانند لباس، مرکب و غیره. در چهارمین نهی، اِعمال خشونت در اخذ مالیات را ممنوع می‌سازد و از کارگزاران خود می‌خواهد برای اخذ اموال، مردم را تحت فشار قرار ندهند (مکارم شیرازی و دیگران، 1390، ج 10: 337).

در نظام حقوقی ایران، ماده 90 قانون مدیریت خدمات کشوری تکالیفی را برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی در برخورد با ارباب‌رجوع معین کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «کارمندان دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند وظایف خود را با دقت، سرعت، صداقت، امانت، گشاده‌رویی، انصاف و پیروی از قوانین و مقررات عمومی و اختصاصی دستگاه مربوطه انجام دهند و در مقابل عموم مراجعان به طور یکسان و در برابر دستگاه ذی‌ربط پاسخ‌گو باشند. هرگونه بی‌اعتنایی به امور مراجعان و تخلف از قوانین و مقررات عمومی ممنوع است. ارباب رجوع می‌تواند در برابر برخورد

نامناسب کارمندان با آن‌ها و کوتاهی در انجام وظایف به دستگاه اجرایی ذی‌ربط یا به مراجع قانونی شکایت کند؛ بنابراین گشاده‌رویی و انصاف تکلیف عمومی همه کارمندان دستگاه‌های اجرایی از جمله کارمندان دستگاه مالیاتی است.

در منشور حقوق شهروندی، در نظام اداری نیز تکالیفی در این زمینه برای کارمندان بیان شده است. از جمله در بند 1 ماده 1 این منشور یکی از اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری این‌گونه بیان شده است: «اداره شایسته امور کشور بر پایه قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و انصاف توسط همه مسئولان و کارکنان دستگاه‌های اجرایی الزامی است».

همچنین در بند 1 ماده 2 منشور یکی از حقوق ارباب رجوع در اداره‌ها را این‌گونه بیان کرده است: «حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی».

در قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده هیچ اشاره‌ای به این حق نشده است اما در منشور حقوق مؤدیان مالیاتی به این حق پرداخته شده است. در اصل 1 منشور حقوق شهروندی آمده است: «مؤدی محترم حق برخورداری از رفتار عادلانه، منصفانه و قانونمند را دارد. ما با شما با ادب، احترام و متانت رفتار می‌کنیم. ما در انجام وظایف خود با انصاف و عدالت عمل می‌کنیم و از هرگونه تبعیض عمل دوری می‌ورزیم. همچنین صداقت در گفتار و عمل و انجام به‌موقع تعهدات را بر خود مسلم می‌دانیم».

2-2. حق بهره‌مندی از تخفیف‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی در شرایط استثنایی و سخت

«معافیت مالیاتی طبق تعریف، تخفیف بخش و یا حتی کل مالیات حقه یک شخص حقیقی یا حقوقی برای مدتی طولانی یا کوتاه‌مدت است و ابزار حمایتی متداولی در کنار سایر سیاست‌های حمایتی دولت به شمار می‌رود. استفاده از این سیاست در هر مورد، توجیهات اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد اما در حال، معافیت مالیاتی برای حمایت از یک منطقه مشخص، فعالیت ویژه و یا کمک به قشری خاص اعطا می‌شود (نظری، 1390: 139). «در سیاست مالی اسلام هرگونه ادعای مؤدی مالیاتی که به‌نوعی منجر به معافیت مالیاتی شود (از جمله ادعای مقروض‌بودن) مقبول است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» (جویند، 1389: 137). این حق برگرفته از اصل انصاف یا برخورد منصفانه با پرداخت‌کننده مالیات است و دولت اسلامی را به دادن تخفیف یا بخشیدن مالیات در

شرایط استثنایی یا سخت ملزم می‌سازد. در دولت اسلامی، نظام مالیات‌ها منعطف و غیردستوری است و با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کند و چنانچه شرایط نابسامان باشد، در دستورالعمل‌های مالیاتی، آن شرایط در نظر گرفته می‌شود. این انعطاف تابع شرایط مالیات‌دهندگان است تا کارشان به سامان برسد» (دلشاد تهرانی، 1388: 479-480).

امام (ع) در نامه 53 به مالک اشتر، اگرچه «بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان را عامل اصلاح امور اقصای جامعه» می‌داند و معتقد است «تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد یافت، زیرا همه نان‌خور مالیات و مالیات‌دهندگان هستند» (دشتی، 1380: 579)، اما در همین نامه با برشمردن شرایطی کارگزار خود را مکلف به اعمال تخفیف به مالیات‌دهندگان می‌کند: «پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف‌دادن در خراج، تو را نگران نسازد زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد؛ رعیت تو را می‌ستایند و تو از گسترش عدالت در میان مردم خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد؛ بدانچه نزد آن‌ها اندوختی و به آنان بخشیدی و با گسترش عدالت در بین مردم و مهربانی با رعیت، تو به آنان اطمینان خواهی داشت آنگاه که در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان گذاری با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند» (دشتی، 1380: 581-580).

این فراز از نامه امام در مورد کشاورزان اراضی خراجیه است که باید مال‌الخراج معینی را بپردازند. امام (ع) تمامی شرایطی را که ممکن است برای این کشاورزان پیش بیاید و به موجب آن نتوانند مالیات خود را بپردازند، برمی‌شمارد و آنان را در چنین شرایطی مشمول تخفیف دولت می‌داند. این شرایط عبارتند از: غیرعادلانه و سنگین بودن مالیات، گرفتار شدن زراعت به آفات مختلف، قطع شدن آب یا کم‌آبی و در نتیجه دست‌نیافتن به محصول یا کاهش آن، خشکسالی و کمبود محصول در زمین‌هایی که به روش دیم آبیاری می‌شوند، و وقوع سیلاب و آب‌گرفتگی زمین‌های زراعی و از بین رفتن محصولات. در تمام این حالات، والی باید توان کشاورزان را در نظر بگیرد و خراج هر کدام را به اندازه‌ای که گرفتار ضرر و زیان شده‌اند، تخفیف دهد یا حتی اگر توان ندارند، به کلی از خراج معاف کند (مکارم شیرازی، 1390، ج 11: 31-32).

امام (ع) در این نامه به جایگاه و نقش بخشودگی‌های مالیاتی اشاره می‌کنند. در یک نظام مالیاتی منعطف، بخشودگی مالیاتی نشانه خردمندی و عدالت‌ورزی حکومت است. از منظر مدیران مالیاتی بهره‌ور، بخشودگی‌های مالیاتی زیان شمرده نمی‌شوند، بلکه بخشی از برنامه‌های قابل‌پیش‌بینی در نظام‌های مالیاتی است و از این‌رو کاملاً واقع‌بینانه با آن روبه‌رو می‌شوند و آن را زمینه اقدامات مثبت آینده قرار می‌دهند. به همین دلیل است که امام به مالک اشتر فرمان می‌دهد سبک‌گردانیدن بار هزینه آنان به هیچ‌روی نباید بر تو گران آید (دلشاد تهرانی، 1388: 480-479).

در نظام حقوق مالیاتی ایران، در مواد مختلفی از قانون مالیات‌های مستقیم، به موضوع تخفیف در مالیات پرداخته شده است، ولی اغلب آن را به افزایش درآمد ابرازی مشمول مالیات نسبت به سال قبل، وابسته کرده است. همچنین فصل اول از باب چهارم قانون مالیات‌های مستقیم، در رابطه با انواع معافیت‌های مالیاتی است که شامل مواردی چون تشویق سرمایه‌گذاری، حمایت از مناطق کمتر توسعه‌یافته، موقوفات و درآمدهای حاصل از خمس و زکات و فعالیت‌های غیرانتفاعی آموزشی و فرهنگی است، اما درباره تخفیف یا معافیت در مورد پیش‌آمدن شرایط دشوار اقتصادی یا مشکلات تولید، در این قانون و نیز در قانون مالیات بر ارزش افزوده هیچ دستوری درباره تخفیف و معافیت مالیاتی پیش‌بینی نشده است. تنها در یکی از بندهای اصل 1 منشور حقوق مؤدیان مالیاتی آمده است: «ما به شرایط خاص شما توجه کرده و در حیطه قانون و اختیارات، مشکل‌گشایی خواهیم کرد» که با توجه به نبود قوانین لازم در این زمینه، بیان صرف این حق، خالی از فایده است.

2-3. حق رازداری و افشاکردن اسرار مالیاتی

یکی از اصول حاکم بر مالیات که در نظام‌های مالیاتی مدرن و امروزی نیز مورد توجه است، اصل محرمانه‌بودن اطلاعات مالیاتی است. با توجه به اینکه یکی از اختیارات مهم دستگاه‌های مالیاتی در مرحله شناسایی مالیات، حق دریافت اطلاعات از کسب‌وکار و درآمد و فعالیت‌های اقتصادی مؤدیان است، افشای اطلاعات اقتصادی مؤدی در عرصه رقابت تجاری و اقتصادی بسیار زیان‌آور و جبران‌ناپذیر است (رستمی، 1395: 110).

حق رازداری به طور تلویحی در نامه 53 امام علی (ع) به مالک اشتر قابل‌دریافت است. امام در بخشی از این نامه از مالک می‌خواهد: «از رعیت آنان را که عیب‌جو ترند از خود دور کن زیرا مردم عیوبی دارند

که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر هست؛ پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویداست، بیوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان باشد، پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان تا آنچه دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بیوشاند...».

استدلال دیگر بر حق رازداری مالیاتی از منظر امام علی (ع)، جایگاه ویژه اصل امانتداری کارگزاران در آموزه های ایشان است؛ چنان که خطاب به اشعث ابن قیس استاندار آذربایجان نوشت: «همانا کاری که بر عهده توست طعمه ای برای نیست، بلکه امانتی است بر گردنت» (دشتی، 1380: 485). «بر این مبنا هرکس در هر مرتبه اداری امانتدار مردمان است و باید امکانات، اموال، حقوق و حدود و حیثیت و شرافت آنان را پاسداری کند. در منظر امیر مؤمنان، بزرگترین خیانت، خیانت به امت و ستم به امانت است» (دلشاد تهرانی، 1386: 181)؛ بنابراین می توان گفت اطلاعات مربوط به اموال و دارایی های مردم که به کارگزاران مالیات گفته می شود، نزدشان امانت است و آن ها نمی توانند در این امانت خیانت کنند یا نزد دیگران افشا سازند.

در نظام حقوق مالیاتی ایران نیز بر حق رازداری و افشانکردن اسرار مالیاتی تأکید شده است. ماده 232 قانون مالیات های مستقیم در این زمینه بیان می دارد: «اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می آورند، محرمانه تلقی کرده و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی ربط در حد نیاز خودداری ورزند و در صورت افشا، طبق قانون مجازات اسلامی با آن ها رفتار خواهد شد».

در اصل 4 منشور حقوق مؤدیان مالیاتی نیز آمده است: «اصل (4): پایبندی ما به اصل رازداری و حفظ حریم خصوصی و حق مؤدی است. ما رازدار اسناد، مدارک و اطلاعات شما هستیم. اطلاعات شما نزد ما محرمانه بوده و جز به حکم قانون، آن را در اختیار هیچ شخص دیگری قرار نمی دهیم. همچنین حریم خصوصی شما را در تمامی فرایندهای مالیاتی، محترم می شماریم».

2-4. حق کسب اطلاع و اخذ توضیحات لازم

«مؤدی باید از صحت و دقت عمل مأموران مالیاتی اطمینان داشته باشد و این اطمینان زمانی به دست می آید که میزان، مأخذ، زمان و طریقه پرداخت مالیات مشخص شده باشد و به مأموران مالیاتی اجازه داده نشود به هر میزان و نحوه ای که می خواهند مالیات وصول کنند» (رنجبری و بادامچی، 1387: 1387).

61). این حق در ارتباط با حقوق مؤدیان مالیاتی از اهمیت زیادی برخوردار است. براین اساس، مؤدیان مالیاتی باید حق داشته باشند که درباره شیوه شناسایی درآمد مشمول مالیات، و هرگونه اقدام و تصمیم‌گیری در مورد حل و فصل اختلاف مالیاتی یا اقدام در زمینه وصول قهری مالیات از اموال و دارایی‌هایشان کسب اطلاع کنند و دستگاه مالیاتی نیز باید مکلف باشد اطلاعات لازم را در این زمینه‌ها در اختیار وی بگذارد. همچنین مؤدیان باید حق داشته باشند توضیحات لازم را در مورد شیوه ارزیابی و شناسایی مالیات از مأموران مالیاتی و در مورد آرای حل اختلاف مالیاتی از مراجع مربوط دریافت کنند (رستمی، 1388: 117).

حق کسب اطلاع و دریافت توضیحات از فرازهایی از نامه 51 نهج‌البلاغه قابل فهم است. امام در این مورد می‌فرماید: «هرگز کسی را از بیان حاجت خود باز ندارید و از خواسته‌های مشروع‌اش محروم نسازید» (دشتی، 1380: 565). این عبارت شامل تمامی خواسته‌های مشروع و قابل‌پذیرش می‌شود؛ از جمله حق پرداخت‌کننده مالیات در توضیح خواستن از کارگزار در مورد شیوه ارزیابی مالیاتی که باید بپردازد.

در نظام حقوق مالیاتی ایران، قانون مالیات‌های مستقیم در این زمینه چندان رسا و دقیق نیست و تنها ماده 237 قانون در مورد کسب اطلاع مؤدی از شیوه شناسایی مالیات پس از صدور برگ شناسایی قطعی مالیات، حکمی دارد: «برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به گونه‌ای تنظیم شود تا تمامی فعالیت‌های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به‌طور صریح در آن قید و برای مؤدی روشن باشد. امضاکنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سیمت خود را در برگ تشخیص به‌طور خوانا قید کنند و مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه خود از هر جهت خواهند بود، و در صورت استعلام مؤدی از شیوه تشخیص مالیات مکلف‌اند جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است، به مؤدی اعلام کنند و هرگونه توضیحی را که در این زمینه بخواهد به او بدهند».

«اگرچه کسب اطلاع از برگ تشخیص مالیات از سایر موارد پیش‌گفته مهم‌تر است، اما قانون در زمینه امکان اطلاع مؤدی از سایر موارد گفته‌شده تصریحی ندارد و تنها به لزوم ابلاغ این موارد از جمله ابلاغ آرای مراجع اختلاف مالیاتی و اخطار اجرایی وصول قهری مالیات اکتفا کرده است. گفتنی است قانون مالیات بر ارزش افزوده در این زمینه ساکت است و حتی ارجاعی به ماده مربوط به قانون مالیات‌های مستقیم ندارد» (رستمی، 1388: 118).

منشور حقوق مؤدیان مالیاتی نیز در یکی از بندهای اصل 3 مقرر می‌دارد: «شما می‌توانید اطلاعات و محتویات پرونده مالیاتی خود را مشاهده کرده و نسخه‌ای از گزارش رسیدگی را بخواهید» که البته به نظر می‌رسد حق مؤدی در این بند نیز مانند ماده 237 تنها در زمینه اطلاع از شیوه رسیدگی و تشخیص مالیات است.

2-5. حق ممیزی و ارزیابی صحیح

این حق مؤدی مالیاتی است که اموالش به‌درستی و صحت ارزیابی شود و اموال مشمول مالیات وی به‌درستی شناسایی شود. همچنین در محاسبه مقدار مالیات باید قوانین و مقررات به‌درستی رعایت شود و از هیچ‌کس بیش از نرخ معین مالیاتی و آنچه قانون پیش‌بینی کرده است، گرفته نشود. در سیاست مالی اسلام «ارزیابی درآمدها باید عادلانه و آسان صورت پذیرد. تعرفه‌ها باید برای همه افراد یکسان وضع شود. اهمیت ارزیابی منصفانه به اندازه‌ای است که بسیاری از فقها فرار از مالیات‌های غیرمنصفانه را - مشروط به اینکه با بی‌عدالتی بزرگ‌تری همراه نباشد - جایز دانسته‌اند» (جولید، 1389: 137). امام (ع) در بخشی از نامه 25 در این زمینه می‌فرماید: «... افزون‌تر از حقوق الهی که بر مال وی تعلق گرفته است، از او مگیر...» (دشتی، 1380: 505). در این عبارت، امام (ع) پیش از آنکه به مأمور جمع‌آوری مالیات بگوید حق خدا را به طور کامل بگیر، می‌فرماید بیش از حق خداوند را از آنها نگیر و این تأکید بر نهایت تقوا و پرهیز از گرفتن بی‌دلیل اموال مردم است (مکارم شیرازی و دیگران، 1390، ج 9: 303).

در نظام حقوق مالیاتی ایران، در زمینه محدوده ممیزی مالیات، قانون مالیات‌های مستقیم درباره هر نوع مالیات در فصل مربوط مقرراتی را بیان کرده است که تا اندازه‌ای معقول به نظر می‌رسد. برای مثال در فصل چهارم از باب دوم درباره مالیات بر درآمد مشاغل، ابتدا در ماده 94 درآمد مشمول مالیات این نوع مؤدیان را بیان کرده و سپس در ماده 95 انواع اسناد و مدارک مثبت کافی برای تشخیص درآمد آنها را برشمرده است. قانون مالیات بر ارزش افزوده در مواد 21-18 تا اندازه‌ای تعیین محدوده ممیزی را به سازمان امور مالیاتی کشور سپرده است. این امر در ماده 18 برجسته‌تر است زیرا مؤدیان را به ارائه اطلاعات درخواستی سازمان به ترتیبی که تعیین و اعلام می‌کند، مکلف کرده است. البته این حکم به منظور تعیین آستانه یا به عبارتی دامنه شمول مالیات بر ارزش افزوده است و لذا قابل توجیه است (رستمی، 1388: 119).

در بندهایی از اصل 3 منشور حقوق مؤدیان مالیاتی نیز بر حق ارزیابی صحیح و قانونمند مالیات تصریح شده است. این بند مقرر می‌دارد: «رسیدگی‌ها و ممیزی‌های ما مستند و مستدل به دلایل، مدارک، شواهد و قرائن است. مالیات حقه طبق قانون وصول می‌شود و ما هرگز از شما پرداخت مالیات مضاعف یا فراتر از قانون را انتظار نداریم».

2-6. حق بر خوداظهاری و اعتماد بر مؤدی

«تشخیص مالیات شامل شناسایی مؤدیان مالیاتی و تعیین منابع مشمول مالیات است. مهم‌ترین مرحله تشخیص منبع مالیاتی، ارزیابی آن منبع است که به سه طریق خودارزیابی، روش تخمینی و روش اداری مستقیم یا به بیان امروزی تشخیص علی‌الرأس صورت می‌گیرد. در روش خودارزیابی، مؤدیان خودشان به محاسبه بدهی‌هایشان می‌پردازند. در روش تخمینی، ارزیابی پایه مالیاتی با توجه به پایه معینی به صورت تخمینی برآورد می‌شود، اما در روش اداری مستقیم، دستگاه مالیاتی مستقیماً ارزیابی را انجام می‌دهد» (آقائظری و گیلک حکیم‌آبادی، 1382: 71-72). «بی‌شک اعتمادسازی از شرایط ضروری شکل‌گیری نظام مالیاتی است. اگر مردم به دولتمردان و دست‌اندرکاران امور مالیاتی حُسن‌نیت و باور داشته باشند، در انجام وظایف خود احساس مسئولیت می‌کنند. نظام مالیاتی نیز آن‌گاه موفق است که اعتماد مؤدیان مالیاتی را جلب کند. اعتمادسازی دستوری نیست بلکه باید سازمان مالیاتی گام نخست را بردارد و به مأموران مالیاتی خود آموزش دهد به مؤدیان اعتماد کنند تا آنان نیز با صداقت درآمدشان را بیان کنند و با دراختیار گذاشتن اسناد، مأموران مالیاتی را در مسیر تشخیص واقعی رهنمون شوند» (آقائظری، 1390: 109).

امام علی (ع) مبنای سلوک سیاسی و حکومتی خود را بر صداقت و راستی قرار داده بودند و این مبنا را در خطبه آغازین حکومت خویش اعلام فرمودند (دلشاد تهرانی، 1379: 170). ایشان در خطبه 16 نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم و خود به آن پایبندم... به خدا قسم کلمه‌ای از حق را نپوشاندم و هیچ‌گاه دروغی نگفتم...» (دشتی، 1380: 59). بر پایه چنین سلوک سیاسی و اخلاقی است که امام بر لزوم اعتمادسازی میان مردم و دولت تأکید می‌کند. در واقع بی‌اعتمادی مردم به دولت یا دولت به مردم، نشانه عقب‌گشت و سیر قهقرایی در یک جامعه سیاسی است و عواقب سویی در پی خواهد داشت (آقایی طوق، 1394: 218).

در رابطه با موضوع مالیات، مؤدی دقیق‌تر و بهتر از هرکس دیگری از مأخذ مالیاتی و ارزش

واقعی آن اطلاع دارد و می‌تواند آن را به‌خوبی ارزیابی کند؛ بنابراین اعلام مأخذ مالیاتی و ارزیابی آن توسط مؤدی و همکاری و مشارکت وی با دستگاه مالیاتی، تشخیص مالیات را آسان‌تر می‌کند و به واقعیت نزدیک‌تر می‌سازد (رستمی، 1395: 145).

خوداظهاری روشی است که در آن دستگاه مالیاتی اصل را بر صحت اظهارنامه مالیاتی مؤدی و ارزیابی انجام‌شده توسط وی می‌گذارد و اظهارنامه مؤدی را که به‌موقع تسلیم شده‌اند، بدون بررسی و رسیدگی قبول می‌کند و تنها برخی از آن‌ها را به صورت نمونه‌گیری انتخاب و رسیدگی می‌کند (رستمی، 1395: 146).

حق بر خوداظهاری و اعتماد به گفته پرداخت‌کننده مالیات به عالی‌ترین شکل در نامه 25 نهج‌البلاغه بیان شده است. در بخشی از این نامه خطاب به کارگزاران مالیاتی آمده است: «... سپس می‌گویی ای بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست، تحویل بگیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید؟ اگر کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد آری، همراهش برو و بدون آنکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی و ادار سازی هرچه از طلا و نقره به تو رساند بردار و اگر دارای گوسفند یا شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو که بیشتر اموال از آن اوست... حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند. پس از انتخاب اعتراض نکن، سپس باقی‌مانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر. به همین‌گونه رفتار کن تا باقی‌مانده حق خداوند باشد، اگر صاحب درآمد از این تقسیم و انتخاب پشیمان است و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را در هم کن و به دو دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار، تا حق خدا را از آن برگیری» (دستی، 1380: 505).

از این بیانات نورانی امام (ع) نکات فراوانی قابل‌برداشت است. نخست اینکه بر جنبه الهی و عبادی فریضه زکات تأکید شده است و جمع‌آوری‌کننده را فرستاده ولی خدا معرفی کرده است. همچنین آنچه مؤدی می‌خواهد بپردازد حق الهی است که در اموال او وجود دارد. این تمهیدات قلب پرداخت‌کننده را برای پرداخت حقوق مالی واجب بر او آماده می‌سازد. همچنین به گفته مؤدی مالیات اعتماد می‌شود و وی متهم به دروغ‌گویی نمی‌شود. با آن کس که می‌گوید اموال او مشمول مالیات می‌شود نیز در نهایت محبت و احترام برخورد می‌شود، بدین‌صورت که نباید کارگزار مالیات او را بترساند، نباید با تهدید از او چیزی دریافت کند، نباید در گرفتن زکات سخت‌گیری کند و

در نهایت نباید مشکلاتی را برایش به وجود آورد (مکارم شیرازی و دیگران، 1390، ج 9: 306).
 روش خوداظهاری در ماده 158 قانون مالیات‌های مستقیم مصوب 1380 پیش‌بینی شده بود اما به موجب بند 22 قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم مصوب 1394/4/31 حذف شد. این ماده ابراز می‌داشت: «وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند در مورد بعضی منابع مالیاتی کلاً یا جزئاً و در نقاطی که مقتضی بداند طبق آگهی منتشره در نیمه نخست هر سال اعلام کند که در سال بعد اظهارنامه مؤدیانی را که به موقع تسلیم کرده باشند، بدون رسیدگی قبول کرده و تنها تعدادی از آن‌ها را به طور نمونه‌گیری و طبق مقررات این قانون مورد رسیدگی قرار خواهد داد».
 باین‌حال، اختیار استفاده از روش خوداظهاری همچنان در مورد رسیدگی به مالیات بر درآمد مشاغل به سازمان امور مالیاتی کشور داده شده است. صدر ماده 97 این قانون مقرر می‌دارد: «درآمد مشمول مالیات اشخاص حقیقی موضوع این قانون که مکلف به تسلیم اظهارنامه مالیاتی هستند، به استناد اظهارنامه مالیاتی مؤدی که با رعایت مقررات مربوط تنظیم و ارائه شده و مورد پذیرش قرار گرفته باشد، خواهد بود. سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند اظهارنامه‌های مالیاتی دریافتی را بدون رسیدگی قبول و تعدادی از آن‌ها را بر اساس معیارها و شاخص‌های تعیین‌شده یا به طور نمونه انتخاب و برابر مقررات مورد رسیدگی قرار دهد».

2-7. حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی

این حق را می‌توان مهم‌ترین حق مؤدی برشمرد. طبق این حق مؤدی باید حق داشته باشد نسبت به اقدامات دستگاه مالیاتی در مورد تشخیص و وصول مالیات به مرجع مستحق قضایی یا اداری مراجعه و اعتراض و شکایت کند (رستمی، 1388: 122).

حق تجدیدنظرخواهی از ممیزی مالیاتی به‌خوبی در آموزه‌های نهج‌البلاغه بیان شده است. در بخشی از نامه 25 خطاب به کارگزار مالیاتی آمده است:

«... اگر صاحب درآمد از این تقسیم و انتخاب پشیمان است و از تو درخواست گزینش دوباره دارد، همراهی کن، پس حیوانات را در هم کن و به دو دسته تقسیم نما، همانند آغاز کار، تا حق خدا را از آن برگیری» (دشتی، 1380: 505).

در نظام حقوق مالیاتی ایران نیز به این حق توجه شده و اصل 5 منشور حقوق مالیاتی بدان پرداخته است: «اصل (5): مؤدی محترم حق اعتراض، شکایت و تجدیدنظرخواهی دارد؛ شما ابتدا

می‌توانید از رییس اداره امور مالیاتی مربوطه بخواهید تا نسبت به حل اختلاف مالیاتی رسیدگی کند؛ شما حق دارید نسبت به مالیات مورد مطالبه و اقدامات انجام شده اعتراض کرده و در مراحل مختلف درخواست تجدیدنظر دهید؛ جلسه هیئت حل اختلاف مالیاتی با حضور 3 نفر نماینده رسمی تشکیل می‌شود که یک نفر از آنان می‌تواند نماینده صنف منتخب شما باشد؛ شما حق دارید در جلسه هیئت حل اختلاف مالیاتی حضور داشته و با ارائه توضیحات و تسلیم لایحه از خود دفاع کنید؛ رسیدگی دوباره پرونده مالیاتی شما منصفانه و حسب مورد با اجرای قرار و سرانجام صدور آرای مستند و مستدل، همراه خواهد بود».

ماده 244 قانون مالیات‌های مستقیم نیز درباره هیئت حل اختلاف مالیاتی است. این ماده ابراز می‌دارد: «مرجع رسیدگی به تمامی اختلاف‌های مالیاتی جز در مواردی که ضمن مقررات این قانون مرجع دیگری پیش‌بینی شده باشد، هیئت حل اختلاف‌های مالیاتی است. هر هیئت حل اختلاف مالیاتی از سه نفر به شرح زیر تشکیل خواهد شد:

- یک نفر نماینده سازمان امور مالیاتی کشور؛

- یک نفر قاضی اعم از شاغل یا بازنشسته. چنانچه قاضی بازنشسته واجد شرایطی در شهرستان‌ها یا مراکز استان‌ها وجود نداشته باشد، بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور، رییس قوه قضاییه یک نفر قاضی شاغل را برای عضویت هیئت معرفی خواهد کرد؛

- یک نفر نماینده از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران یا اتاق تعاون یا جامعه حسابداران رسمی ایران یا مجامع حرفه‌ای یا تشکلهای صنفی یا شورای اسلامی شهر به انتخاب مؤدی. در صورتی که برگ تشخیص مالیات ابلاغ قانونی شده باشد و یا هم‌زمان با تسلیم اعتراض به برگ تشخیص در مهلت قانونی، مؤدی انتخاب خود را اعلام نکند، سازمان امور مالیاتی با توجه به نوع فعالیت مؤدی یا موضوع مالیات مورد رسیدگی از بین نمایندگان مزبور یک نفر را انتخاب خواهد کرد.

تبصره 1. جلسه‌های هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی با حضور سه نفر رسمی است و رأی هیئت‌های مزبور با اکثریت آرا قطعی و لازم‌الاجراست، ولی نظر اقلیت باید در متن رأی قید شود.

تبصره 2. اداره امور هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی و مسئولیت تشکیل جلسه‌های هیئت‌ها به عهده سازمان امور مالیاتی کشور است و حق الزحمه اعضای هیئت‌های حل اختلاف بر اساس آیین‌نامه‌ای که بنا به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید، از محل

اعتباری که به همین منظور در بودجه سازمان پیش‌بینی می‌شود، قابل پرداخت خواهد بود». در ضمن با توجه به ماده 33 قانون مالیات بر ارزش افزوده، احکام قانون مالیات‌های مستقیم در مورد اعتراض به تشخیص و وصول مالیات، شامل این نوع مالیات نیز می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی موضوع مالیات‌های اسلامی در نهج‌البلاغه به‌خوبی مشخص می‌شود امام علی (ع) پرداخت مالیات‌های واجب را برای اداره جامعه و تنظیم مناسبات اجتماعی و از بین بردن شکاف‌های طبقاتی لازم می‌داند و در طول دوران درخشان حکومت خود نیز در عمل اقدام به جمع‌آوری اقسام مختلف این مالیات‌ها کرده‌اند. با وجود این، حضرت بر اساس روش حکومت‌داری خود که مبتنی بر روابط متقابل میان حقوق و تکالیف مردم و حکومت است، حقوق قابل توجهی را برای پرداخت‌کنندگان مالیات به حکومت مشخص ساخته‌اند. حق برخورد محترمانه و منصفانه با پرداخت‌کننده، حق ممیزی منصفانه و قانونمند، حق اعتماد به گفته‌های پرداخت‌کننده و پذیرش سخن وی در مورد اموال و دارایی‌هایش، حق تجدیدنظرخواهی در ممیزی مالیات، حق دریافت توضیحات لازم، حق رازداری و افشان‌کردن اسرار و حق برخورداری از تخفیف و معافیت در مواقع استثنایی و دشوار، از جمله این حقوق است. دیدگاه و سیره عملی امام (ع) در زمینه مالیات‌ها سیره‌ای تربیتی و مبتنی بر کرامت انسانی است. در نظام حقوق مالیاتی ایران نیز تا اندازه زیادی به این حقوق توجه شده است. البته در برخی موارد همچون اعتماد به خوداظهاری مؤدی یا دادن تخفیف یا معافیت به مؤدی، سازواری کامل با آموزه‌های علوی در نهج‌البلاغه ندارد و نظام حقوق مالیاتی ایران اصل را بر اعتماد به مؤدی نهاده است.

فهرست منابع

آقائزوری، حسن (1390)، مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

آقائزوری، حسن؛ گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (1382)، نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

آقایی طوق، مسلم (1394)، حقوق عمومی در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ نخست.

بیات، اسدالله (1365)، منابع مالی دولت اسلامی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.

جولید، محمود (1389)، گفتارهایی در مالیه عمومی در اسلام، ترجمه داود منظور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ دوم.

حکیمی، محمدرضا و دیگران (1386)، الحیات، ترجمه احمد آرام، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ هشتم، جلد دوم.

دشتی، محمد (1380)، ترجمه نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات مشهور، چاپ دهم.

دلشاد تهرانی، مصطفی (1379)، حکومت حکمت: حکومت در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات دریا، چاپ نخست.

دلشاد تهرانی، مصطفی (1386)، ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات دریا، چاپ دوازدهم.

دلشاد تهرانی، مصطفی (1387)، دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)، تهران: انتشارات دریا، چاپ سوم.

دلشاد تهرانی، مصطفی (1388)، دلالت دولت: آیین‌نامه مدیریت و حکومت در عهدنامه مالک اشتر، تهران: انتشارات دریا، چاپ نخست.

رستمی، ولی (1388)، «حقوق مؤدیان مالیاتی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران، شماره 1، صص 107-128.

رستمی، ولی (1395)، مالیه عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم.

رضایی دوانی، مجید (1389)، مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

رنجبری، ابوالفضل؛ بادامچی، علی (1387)، حقوق مالی و مالیه عمومی، تهران: انتشارات مجد، چاپ دهم.

شعبانی، احمد؛ کاشیان، عبدالمحمد (1395)، هندسه منابع و مصارف مالی اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه

امام صادق (ع)، چاپ اول.

مکارم شیرازی و دیگران (1390)، پیام امام امیرالمؤمنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، قم: انتشارات

امام علی ابن ابیطالب (ع)، چاپ نخست، جلد 9 و 11.

نظری، علیرضا (1390)، «لزوم سامان‌دهی معافیت‌های مالیاتی»، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های

اقتصادی، شماره 11، صص 139-142

